



کتاب الفقه



سلام



زندگی از منظر سوره «الرحمن»:

جلسه یازدهم – تیر ماه ۱۳۹۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (٢)

خَلَقَ الْإِنْسَانَ (٣)

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (٤)

الرَّحْمَنُ (١)

عَلَّمَ الْقُرْآنَ (۲) یعنی:

قرآن، در « فطرتِ هر انسانی » هست.

لذا تمام اقشار مردم از هر نژادی، می‌توانند:

۱- قرآن را « حفظ » کنند.

۱- آن را تأیید و « تصدیق » کنند.

لذا رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ، « **مذکر** »

و نام دیگر قرآن، « **ذکر** » است.

« **لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ** » یعنی:

« فطرتِ انسان، قرآنی » است، اما

مردم باید « بخوانند » تا آن را به « یاد » آورند.

عَلَمُهُ الْبَيَانُ (۴) یعنی:

هر انسانی،

« توانایی تفهّم و تفهیم و تبیین » را دارد

اما مشروط به اینکه در « **خوابِ غفلت** » نباشد،

زیرا « درک هیچ معنایی » برای غافل ممکن نیست.

آیہ پنجم:



الشمس والقمر بحسبان (۵)

(گردش و درخشانی خورشید و (و گردش و منعکس کنندگی) ماه،

بر مبنای حساب (ی دقیق) است.

ظاهراً سورة « الرحمن »،

سورة معرفی و توجّه به « **زوجها** » است،

و « **شمس** و **قمر** »،

اولین زوجِ مطرح و مهم در آفرینش هستند.

ضمنا قرآن، « ۱۵ بار »،

« شمس و قمر » را

در کنار هم آورده است:

١- وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ حُسْبَانًا *

٢- وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ *

٣- هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا *

٤- وَسَخَّرَ (لَكُمْ) الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ (٧) *

٥- وَ مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ *

٦- لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ *

٧- وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

٨- يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ ...

٩- وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ *

١٠- يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

« نكتة » مهم:

« مصداقِ شمس و قمر »،

قطعا همين دو جرمِ آسمانى،

نیستند:

دلیل اول:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ:

يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

(يوسف/٤)

دلیل دوم:

« قمری » که مقدّم بر شمس است

و تمام « هفت آسمان » را

« روشنایی » می بخشد:

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا (١٥)

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا

وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا (نوح/١٦)

آیة ششم:



وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)

« ستاره » و « گیاه »، « سجده » می کنند.

دومین «زوج» مطرح در آفرینش،

و «نجم و شجر» هستند.

« نجم » در قرآن:

النَّجْمُ

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا (أنعام/٩٧)

فَنَظَرَ نَظْرَهُ فِي النُّجُومِ (صافات/٨٨)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبَّحَهُ وَإِذْ بَارَ النُّجُومِ (طور/٤٩)

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (واقعه/٧٥)

فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (مرسلات/٨)

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (تكوثر/٢)

النَّجْمُ الثَّاقِبُ (طارق/٣)

وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ (نحل/١٦)

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ

(نجم / ۱)

سوگند به اختر (= قرآن) چون فرود آید.

« شجر » چیست؟

« **نجم** » گیاهی زنده است که « ساقه ندارد. » (مثل: قرآن)

« **شجر** » گیاهی زنده است که « ساقه دارد. » (مثل: عترت)

« ستاره »، یکی از مصادیقِ « **نجم** » است.

خورشید و ماه و ستارگان، « مدارِ گردش » دارند.

و همه در تکاپوی دائمی هستند، « كُلُّ شَيْءٍ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ »

و آنها زمانِ محدودی دارند. « كُلُّ شَيْءٍ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى »

« شجر » در قرآن:

إبراهيم : ٢٤ كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ

إبراهيم : ٢٦ كَلِمَةً خَبِيثَةً كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ

النحل : ١٠ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ

النحل : ٦٨ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ

المؤمنون : ٢٠ وَشَجَرَةٍ تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصِبْغٍ لِلَّالِئِينَ

النور : ٣٥ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ

النمل : ٦٠ فَأَنْبَتْنَا بِهِ حِدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا

الشجر:

قصص: ٣٠ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ

لقمان: ٢٧ وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ

يس: ٨٠ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَاراً

الصافات: ١٤٦ وَ أَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ

الفتح: ١٨ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ...

الواقعة: ٧٢ أَ أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ

الشجر:

« سجده »

یعنی چه؟



« سجده » یعنی:

« نهایتِ خضوع و فروتنیِ موحّدانه »،

به نحوی که هیچ اثری از:

« منیت و خودخواهی » برای فرد نماند.

لذا تا ساحران إقتدارِ حقّ علیه باطل را دیدند، «سجده» کردند:

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ (۱۱۷)

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۱۸)

وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (۱۲۰)

قَالُوا: آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (أعراف/۱۲۱)

به إستنادِ اينكه قرآن مى فرمايد:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ **يَسْجُدُ** لَهُ:

١- مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ ٢- وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ

٣- وَالشَّمْسُ ٤- وَالْقَمَرُ ٥- وَالنُّجُومُ ٦- وَالْجِبَالُ

٧- وَالشَّجَرُ ٨- وَالْدَّوَابُّ ٩- وَ كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ (حج/١٨)

« سجده » یعنی:

« پذیرشِ مأموریتِ الهی »،

کاری که ابلیس، آن را نپذیرفت:

وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (بقره/۳۴)

سجده، قبول در « خدمتِ » نظامِ **الهی** بودن

و « واگذاریِ » جان و مالِ خود به خدا،

و نهایتِ « **تسلیم** و **اطاعت** » از:

تمامِ « **أوامرِ** **الهی** » است:

لذا قرآن می فرماید:

فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا

(نجم/۶۲)

پس اطاعت محض برای خدا را بپذیرید و بندگی کنید.

سجده، بعد از « تسلیم » شدن و قبل از « آغاز بندگی » است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا؛

ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ

لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ (حج/۷۷)

ای اهل ایمان؛ تسلیم باشید و خدمت را بپذیرید و خدایتان را بندگی کنید
و کارگزار خیر باشید، تا رستگار شوید.

« سجده »، مخصوص خالق است:

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ

وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

(فصلت/۳۷)

و شب و روز و خورشید و ماه، از نشانه‌های اوست (لذا نباید) بنده خورشید و ماه باشید و بنده و در خدمت خدایی باشید که آنها را خلق کرده، اگر تنها او را بندگی می‌کنید.

« خورشیدپرستی »

یعنی چه؟



احتمالا « **خورشیدپرستی** » یعنی:

« **روزمرگی** » و « **دورِ خود چرخیدن** »،

و داشتنِ « **رفتار تکراری** »،

و « **تکرار عاداتها** »،

و « **بی‌جهت** » بودن و « **مقصد** نداشتن ».

سجده، « شرطِ تقَرُّبِ » به خداست:

وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ

(علق/۱۹)

سجده کن و (به خدا) نزدیک شو.



نشانه « صداقت » در سجده چیست؟

اینست که:

« **تهدید**، **تطمیع**، **تحریم**، **تمسخر** و **توهین** »،

کمترین تأثیری

در انسانِ « **ساجد** » نداشته باشد:

لذا ساحران، تهدید فرعون را اینگونه پاسخ دادند:

قال: **فَلَا أَقْطَعُ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ**

وَلَأَصْلَبَنَكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ (طه/۷۱)

قَالُوا: **لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ** (شعراء/۵۰)

گفتند: باکی نیست (زیرا نگاه) ما به خدایمان بازگشته است.

پس انسانِ « **ساجد** »،

« **تشیص** » عاقلانه،

و « **امید** » مؤمنانه،

و « **صبر** » موحدانه دارد:

قَالُوا: (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا (شعراء/۵۱)

رَبُّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ تَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (أعراف/۱۲۶)

گفتند: ... ما امیدواریم که خدایمان گناهانمان را بر ما بیامرزد ...

خدایا؛ صبر و شکیبایی را بر ما بیوشان و ما را مسلمان بمیران.

زندگی، عرصه‌ای است برای

« سجده » یا « تکبیر »:





« خودداری » از استخدام در نظام الهی،
عاملِ « تکبر » و نشانهٔ « خودپرستی » است.

« سجده »

عامل چیست؟



انسان با « **سجده** »،

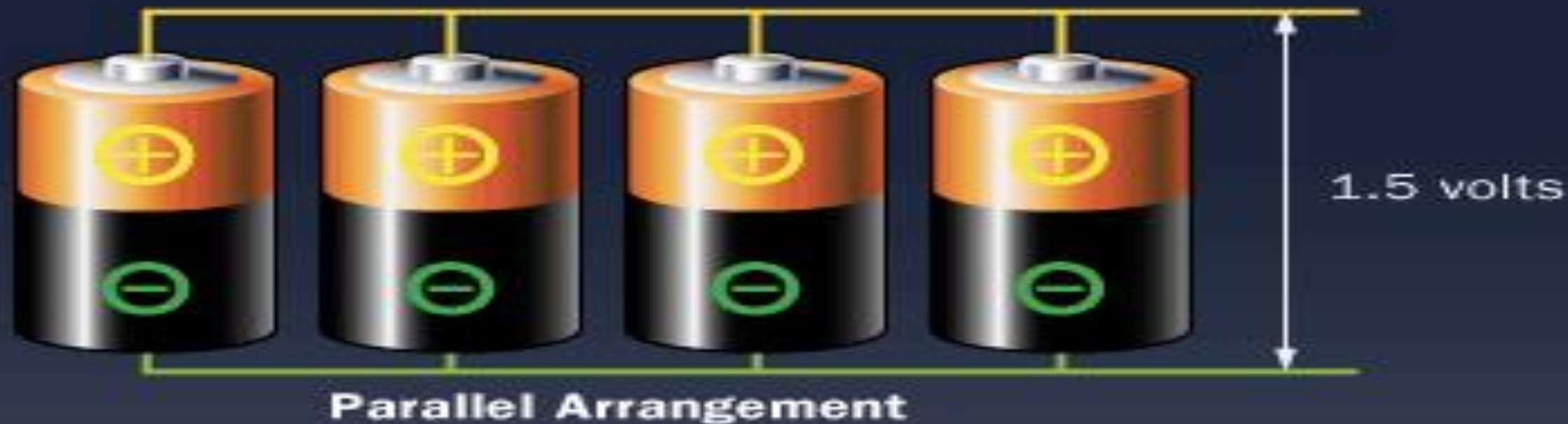
در واقع با « أولياء الهی »، « **متوالی** »

و « **حَلَّتْ بِفَنَاءٍ** » آنان می شود

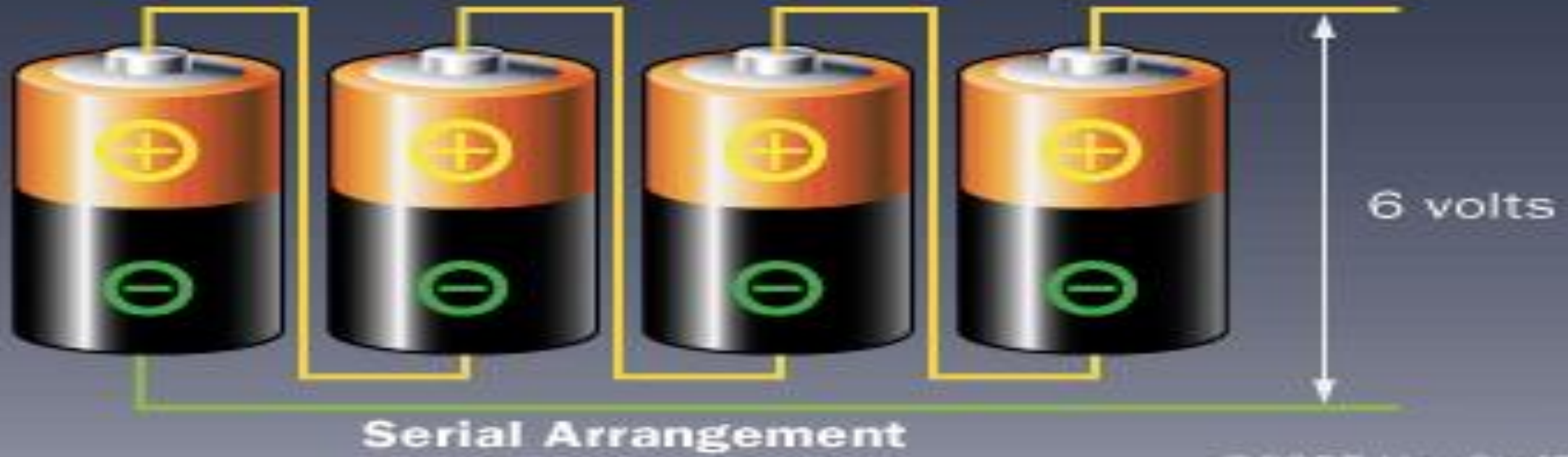
و به « **وساطتِ** » اَسْمَاء و صفاتِ الهی می رسد.



**این باتری‌ها، هر کدام « ۱/۵ ولت » انرژی دارد
و تعدادشان هر قدر که باشد انرژی آنها ثابت است.**



هر انسانی هم « انرژی شخصی » دارد،
و اگر افراد بشر (مانند هر تعداد باتری)،
با هم « موازی » باشند، انرژی آنها افزایش پیدا نمی کند.



©2007 HowStuffWorks

اما اگر هر تعداد از افراد بشر،

با هم به صورت « متوالی » قرار بگیرند (و فردیت آنها دیده نشود)،

انرژی آنها « افزایش پیدا می کند ».

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ (٦)

یعنی:

«نجم و شجر» «تعطیلی» ندارند.

آیة هفتم:



خدایا :

« کلام » ما را « بیان »

و « بیانِ » ما را « روشن و مفید » قرار ده

و در ظهور آخرین حجت ما را سهیم کن.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ

